



عرب

کلیدواژه: عرب، عجم.

پرسش: آیا امام حسین - علیه السلام - در حدیثی بین عرب و **عجم** فرق گذاشته‌اند و عجم را مذمت کرده‌اند؟
پاسخ: روایتی که اشاره کردید از اباعبدالله - علیه السلام - یعنی **امام صادق** است (نه **امام حسین** علیه السلام) که فرموده‌اند: ما از قریشیم و شیعیان ما عرب هستند و دشمنان ما عجم. این روایت به این معنای ظاهری (که منظور از لفظ **عرب**، قریش و عجم همان نژادهای معروف باشند) از نظر سند و دلالت قابل استناد نیست؛ از نظر سند بعضی راویان این **حدیث** ضعیفند و قابل اعتماد نیستند؛ اما از نظر دلالت این معنای ظاهری روایت، مخالف آیات **قرآن**، روایات فراوان و عقل است که ملاک برتری را فقط تقوا و ایمان قرار داده‌اند و تبعیض نژادی را **باطل** می‌دانند و این در حالی است که **پیامبر اکرم** - صلی الله علیه و آله - و امامان **معصوم** م - علیهم السلام - فرمودند: اگر حدیثی از ما مخالف با صریح آیات قرآن و یا **سنت** قطعی باشد، آن را نپذیرید و قبول نکنید.

فهرست مندرجات

۱- روایتی درباره عرب و عجم

۲- بیان نکاتی در بررسی روایت

۲.۱ - ۱. بررسی روایت از نظر سند

۲.۲ - ۲. بررسی روایت از نظر محتوا

۲.۳ - ۳. مراد از لفظ عرب و عجم

۲.۳.۱ - معانی مختلف الفاظ عرب و عجم

۲.۳.۲ - مقصود امام از دو لفظ عرب و عجم

۲.۳.۳ - معنای قریش و روایت مورد نظر

۲.۴ - ۴. روایاتی در تمجید قبایل غیرعرب

۲.۴.۱ - ا. اول

۲.۴.۲ - ب. دوم

۲.۴.۳ - ج. سوم

۳ - بانویس

۴ - منبع

روایتی درباره عرب و عجم

صفحه ۱۶۴ **کتاب** عربی سفینة البحار شیخ عباس قمی مربوط به لفظ (عجم) است و محدث قمی منتخب **احادیث** مربوط به عجم را از کتاب **بحار الانوار** در این بخش جمع‌آوری کرده است. در این قسمت روایتی از امام حسین - علیه السلام - دیده نشد؛ اما روایتی از حضرت اباعبدالله آمده است که مقصود امام صادق - علیه السلام - است. روایت چنین است: ضریس بن عبدالملک می‌گوید که شنیدم از امام صادق - علیه السلام - که می‌فرمود: ما از قریشیم و شیعیان ما **عرب** هستند و دشمنان ما عجم.
^[۱] **شیخ صدوق**، معانی الاخبار، ص ۴۰۴؛ منبع اصلی روایت کتاب معانی الاخبار، ص ۴۰۴ است.

بیان نکاتی در بررسی روایت

برای بررسی چنین روایاتی باید نکات زیر را در نظر گرفت:

← ۱. بررسی روایت از نظر سند

نکته اول که در روایات باید رعایت شود، سند آنهاست و این‌که همه افراد نقل‌کننده آن شناخته‌شده و معتبر باشند. در سند این روایت فردی به نام سلمه بن خطاب وجود دارد که علمای رجال او را فردی ضعیف و غیرقابل **اعتماد** می‌دانند.

^[۲] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال، ج ۴، ص ۹.

علاوه بر این‌که سند این **روایت** به دلیل فاصله زیاد زمانی بین دو راوی از اتصال برخوردار نیست و به نظر می‌رسد، نام راویانی در سند نیامده است و از این جهت غیرقابل اعتماد است.

نکته دوم بررسی از نظر محتوا و تطبیق با آیات قرآن و روایات قطعی است.

معنای ظاهری

[۱۳] که منظور از لفظ عرب، قریبش و عجم همان نژادهای معروف باشند، این روایت، مخالف با آیات قرآن («یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَحَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»)،

[۱۴] حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

روایات فراوان

[۱۵] معدن الجواهر، ص ۲۱؛ قال سیدنا رسول الله - صلی الله علیه و آله - أربها الناس إن ربکم واحد و إن أباکم واحد لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لأحمر علی أسود و لا لآسود علی أحمر إلا بالتقوی قال الله تعالی إن أكرمکم عند الله أتقاکم.

و عقل است که ملاک برتری را فقط **تقوا** و **ایمان** قرار داده‌اند و **تبعیض** نژادی را باطل می‌دانند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و امامان معصوم - علیهم السلام - فرمودند: «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِنَّ عَلِيَّ كُلَّ حَقٍّ حَقِيقَةٌ وَ عَلِيٌّ كُلُّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخَذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ اگر حدیثی از ما مخالف با صریح آیات قرآن و یا **سنت** قطعی باشد آن را نپذیرید و قبول نکنید».

[۱۶] کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۹.

پس معنای ظاهری این روایت حتی اگر از نظر سند بی‌نقص و درست باشد، قابل پذیرش نیست.

← ۳. مراد از لفظ عرب و عجم

نکته سوم: این مباحث در صورتی است که معنای ظاهری لفظ عرب و عجم مقصود باشد؛ اما در لغت و **زبان عرب**، لفظ عرب و عجم همیشه اشاره به **قبیله** و نژاد نمی‌باشند؛ بلکه اشاره به اوصافی دارند. این اوصاف ممکن است در نژاد و قبیله‌ای باشد؛ مانند این‌که مقصود از عرب، اصیل و با ریشه، و منظور از عجم، بی‌پایه و اساس است. در این صورت اگر روایت از نظر **سند** صحیح باشد، از نظر محتوا مشکلی ندارد.

← معانی مختلف الفاظ عرب و عجم

توضیح مطلب این‌که:

در فهم معنای **الفاظ** توجه به جَو آن زمان و این‌که هر اصطلاحی در چه معنایی به کار می‌رفته است، لازم است؛ چون در هر زبانی با گذشت زمان تغییراتی در معنای صورت می‌گیرد. در روایت مورد نظر دو لفظ عرب و عجم الفاظی هستند که علاوه بر معنی عرب‌زبان و غیر عرب‌زبان که معنای اصلیشان است، در مقاصد دیگر نیز به کار می‌روند؛ مثلاً "عرب" به معنی "صریح و بدون واهمه حرف خود را زد" آمده یا "العرب" به معنی نشاط نیز استعمال شده است

[۱۷] این‌منظور، لسان‌العرب ج ۱، ص ۵۸۹.

و "اعجم" به کسی که روشن و واضح صحبت نمی‌کند؛ هر چند عرب باشد، می‌گویند و "عجماء" به معنی چهارپایان و هر جاننداری که **زبان** فهم نیست آمده است.

[۱۸] این‌منظور، لسان‌العرب ج ۱۲، ص ۲۸۶.

و در روایتی نیز در جواب این سؤال که معنی عجم چیست گفته شده، عجم یعنی گوسفند و گاو و کبوتر و غیره.

[۱۹] طریحی، مجمع البحرین، ج ۶؟؟؟، ص ۱۱۲.

با توجه به مطلب بالا فهمیدن معنی مورد نظر **امام** از میان معنای بسیار مختلف "عرب" و "عجم" که در روایت به کار رفته است، ضروری است. برای فهم این مقصود باید روایات دیگری که این الفاظ در آنها به کار رفته یا از نظر معنا شباهت با **حدیث** مورد نظر دارند، بررسی شوند.

← مقصود امام از دو لفظ عرب و عجم

از احادیثی که در این زمینه وارد شده، فهمیده می‌شود

[۱۱] **شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۴۰۴.**

که عرب در این‌گونه روایات به معنای اصیل، ثابت، باریشه یا واضح و بدون ابهام آمده است و **عجم** به معنای بی‌ریشه، متزلزل و یا بی‌عقل در این روایات استعمال شده که همگی متناسب با معنای اصلیشان هستند.

تناسب معنای اصلی و فرعی (واقعی و مجازی) در این دو لفظ ظاهراً به این علت به وجود آمده که در آن زمان مقایسه **عرب** و غیرعرب برای تشخیص نژاد اصیل افراد عرب مورد بحث بسیار واقع می‌شده و مقام و رتبه عرب اصیل نزد اعراب بالاتر بوده است. به همین دلیل امام برای اصلاح تفکری که معتقد به اصیل و با **ایزیش** بودن عرب در مقابل غیرعرب بود، چنین فرموده که اصالت وابسته به پیروی از مکتب **حق** است و با این بیان که ما و شیعیان ما عرب و با ریشه هستیم، با آن افکار **باطل** مبارزه نمودند.

روایتی که می‌فرماید: "ما عربیم و شیعیان ما نیز از ما هستند..."

[۱۱] **شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۴۰۴.**

و روایت دیگری که می‌فرماید: "هرکس **مسلمان** زاییده شود، عرب است ..."

[۱۲] **شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۴۰۴.**

مؤید این مطلب هستند.

← معنای قریبش و روایت مورد نظر

با توجه به این مطلب، قریبش نیز که از اصیل‌ترین اقوام عرب است، به معنای ثابت و با اصالت‌تر به کار رفته و معنی روایت مورد نظر این‌گونه می‌شود: ما با اصالت‌ترین **انسان**‌ها و شیعیانمان نیز اصیل و باریشه هستیم و دشمنانمان متزلزل و بی‌پایه می‌باشند.

← ۴. روایاتی در تمجید قبایل غیرعرب

به علاوه این‌که روایات بسیاری به جهت [ایمان](#)، [عمل](#) درست، ثبات و پایداری برخی قبایل غیرعرب به تمجید فراوان آنها پرداخته‌اند. تعدادی از این روایات این چنین‌اند:

←← ا. اول

[امام باقر](#) علیه‌السلام، بخشی از [باران حضرت مهدی](#) را از اولاد عجم معرفی می‌کنند. [سفینه البحار](#)، ج ۲، ص ۱۶۴.

←← ب. دوم

از امیر المومنین نقل شده که فرمودند: زمانی خواهد آمد که اقوام عجم جایگاه‌هایی در [مسجد](#) کوفه ساخته و به مردم قرآن را آنطور که نازل شده است، تعلیم می‌کنند. [سفینه البحار](#)، ج ۲، ص ۱۶۴.

←← ج. سوم

از امیر المؤمنین در جای دیگر درباره فارس‌ها روایت شده که به اعراب فرموده‌اند: به خاطر [نزول قرآن](#) با آنها [جنگ](#) کردید؛ اما [دنیا](#) به پایان نمی‌رسد تا این‌که آنها به خاطر [تفسیر](#) و باطن آن با شما خواهند جنگید. (یعنی شما تفسیر آن را رها خواهید کرد و آنها برآن ثابت قدمند). [آبی‌العباس عبدالله بن جعفر حمیری](#)، قرب الاسناد، ص ۵۲؟؟؟. [علامه مجلسی](#)، [مجدیاق، بحارالانوار](#)، ج ۶۴، ص ۱۷۴.

پانویس

۱. [↑](#) [شیخ صدوق](#)، [معانی الاخبار](#)، ص ۴۰۴؛ [منبع اصلی روایت کتاب معانی الاخبار](#)، ص ۴۰۴ است.
۲. [↑](#) [خویی](#)، [سید ابوالقاسم](#)، [معجم الرجال](#)، ج ۴، ص ۹.
۳. [↑](#) که منظور از لفظ عرب، قریش و عجم همان نژادهای معروف باشند.
۴. [↑](#) [حجرات \(۴۹\)](#)، آیه ۱۳.
۵. [↑](#) [معدن الجواهر](#)، ص ۲۱؛ قال سیدنا رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وآله - أیها الناس إن ربکم واحد و إن أیاکم واحد لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لأحمر علی أسود و لا لأسود علی أحمر إلا بالتقوی قال الله تعالی إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ.
۶. [↑](#) [کلینی](#)، [کافی](#)، ج ۱، ص ۶۹.
۷. [↑](#) [ابن‌منظور](#)، [لسان‌العرب](#) ج ۱، ص ۵۸۹.
۸. [↑](#) [ابن‌منظور](#)، [لسان‌العرب](#) ج ۱۲، ص ۳۸۶.
۹. [↑](#) [طریحی](#)، [مجمع البحرين](#)، ج ۶؟؟؟، ص ۱۱۲.
۱۰. [↑](#) [شیخ صدوق](#)، [معانی الاخبار](#)، ص ۴۰۴.
۱۱. [↑](#) [شیخ صدوق](#)، [معانی الاخبار](#)، ص ۴۰۴.
۱۲. [↑](#) [شیخ صدوق](#)، [معانی الاخبار](#)، ص ۴۰۴.
۱۳. [↑](#) [سفینه البحار](#)، ج ۲، ص ۱۶۴.
۱۴. [↑](#) [سفینه البحار](#)، ج ۲، ص ۱۶۴.
۱۵. [↑](#) [آبی‌العباس عبدالله بن جعفر حمیری](#)، قرب الاسناد، ص ۵۲؟؟؟.
۱۶. [↑](#) [علامه مجلسی](#)، [مجدیاق، بحارالانوار](#)، ج ۶۴، ص ۱۷۴.

منبع

[پارگاه اسلام کوئیت](#).

رده‌های این صفحه : [تفسیر حدیث](#) | [حدیث شناسی](#)